

میدون و سوفیا

نامه سرگشاده به سیاست‌مداران دنیا!



✚ **یوریا عالمی**

• سلام. امیدواریم حال شما خوب باشد. ما میدون دوم و سوفیا، عشاق کارکنشته، با سابقه ۲۰ سال کار عشقی، این نامه را به صورت سرگشاده برای شما می‌نویسیم، چون تجربه ثابت کرده سیاست‌مداران همیشه از سر گشادش دوست دارند بزنند، شیور را.

ببینید سیاست‌مداران عزیز

شما ممکن است کاری نداشته باشید و دلنجان هوس پول بیشتر بکند، خب ما مردم عادی واقعا کاری نداریم. ما می‌گوییم یک طوری بخورید حیف‌ومیل نشود؛ مثلا شماها ممکن است از رانت استفاده کنید و واردات و صادرات کشورتان را بگیرید دستتان یا بدهید دست آقا‌زاده‌هایتان که پول را هبلی کنند. عیبی ندارد. فقط چیز نکندیت توی صنعت و معدن و کشاورزی و اقتصاد کشورتان.

یا شما ممکن است هرکجای جهان که باشید دوست داشته باشید بجه‌معروف‌ها شما را بشناسند و دلتان بخواهد با هنرمندان عکس بگیرید، خب پول بادآورده‌تان را جای اینکه بریزید توی سبیم‌ا و موسیقی و تئاتر و فساد کنید توی هنر و به‌کلی چیز کنید توی فرهنگ کشورتان، خب همان پولتان را مستقیم کارت‌به‌کارت کنید به هرکی دوست دارید و باهاش عکس سلفی بیندازید. چرا هنرمندا را می‌ریزید توی رانت‌ها؟

یا شما ممکن است نخواهید برنامه بلندمدت تعریف کنید و صبح‌به‌صبح هرچه را به ذهنتان رسید دستور می‌دهید که سریع عملیاتی شود. مثال ساده‌اش اینکه چی را صادر کنیم، چی را ممنوع کنیم وارد بشود. مثال ساده‌ترش اینکه این خیابان را یک‌طرفه کنیم یا آن دوربرگردان را برداریم یا آن میدان را خراب کنیم یا پل بسازیم یا پل را برداریم. ولی ما مردم عادی باز هم به شما و تصمیمات شما که زندگی ما را مختل می‌کند واقعا کاری نداریم و در نهایت چیز کنید توی زندگی روزمره و آینده ما.

یا شما ممکن است با تصمیمات نادرستان بزنید دمار از محیط زیست دربیارید و جنگل‌ها را نابود کنید و کوه‌ها را بخورید و تالاب‌ها را خشک کنید و رودها را اتوبان کنید. باز هم ما چیزی نمی‌گوییم که شما چیز کردید توی طبیعت.

یا شما ممکن است با دخالت در همه امور مردم همه امور مردم را به‌هم بریزید. باز هم ما اوکی هستیم که چیز در زندگی‌مان شده.

و اصلا ممکن است شما هیچ برنامه‌ای نداشته باشید.

اما ببینید سیاست‌مداران عزیز

ما، یعنی میدون دوم و سوفیا که به دلیل تصمیمات شما تصمیم‌گرفتمیز از زمین‌مهاجرت کنیم و در مریخ زندگی کنیم، چراکه ما هرجای کره زمین را که بررسی می‌کنیم ردپای شما سیاست‌مداران هست که قبل از همه رفته‌اید و تپه‌های آن نقطه از زمین را آباد کرده‌اید.

خلاصه ای سیاست‌مداران جهان

اما قبل از رفتن به مریخ ما فقط یک حرف بیشتر نداریم، آقا همان خراب‌کاری‌هایی را که قبلا می‌کردید باز بکنید و ما هم چهارتا توپیت می‌کنیم و دوتا جوک برایتان می‌سازیم و آب هم از آب تسکان نمی‌خورد، اما لطفا مراقب زمین باشید.

امضا:

میدون دوم و سوفیا

شترت روزنامه

دوشنبه ۳ تیر ۱۳۹۸ • ۲۰ شوال ۱۴۴۰ • ۲۴ ژوئن ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۸ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

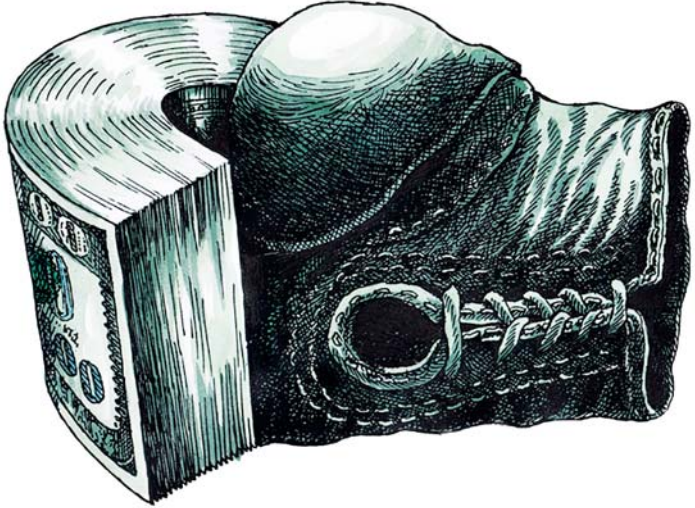
روزنامه‌فرو

www.sharghdaily.ir

فardashargh@gmail.com

کارتون خواب

✚ **ولادیمیر کاز انوفسکی**



V. Kabanov

عجایب غریاب

فروش عقدنامه

اگر گذارتان به خیابان منوچهری افتاده باشد، طیف آدم‌هایی را می‌بینید که دنبال ساختن تاریخ برای خود و خانواده‌هایشان هستند. کسانی که به‌دنبال سند عقد و ازدواج قدیمی و شجره‌نامه در کنار انواع ظروف و وسایل قدیمی هستند. در مقابل عده دیگری نیز هستند که از اسب افتاده‌اند و به دلایل مختلف ناگزیرند گذشته خود را به حراج بگذارند. به‌هرحال زندگی برخی خانواده‌های قدیمی بخشی از تاریخ است و همان‌طور که متخصصان معتقدند آرشوها به دلیل نقش مهمی که در تعیین هویت جامعه و ارتباط افراد با تاریخ و فرهنگ اقلیم بومی دارند و دسترسی به اسناد ملی یکی از ارکان نیل به این هدف است. به گزارش خبرگزاری‌ها مجموعه‌ای از اسناد تاکنون به کتابخانه ملی عرضه شده است؛ قدیمی‌ترین سند موجود مربوط به ۷۱۴ سال پیش و یک سند حکومتی برای اخذ مالیات است. به نظر می‌رسد اکنون فرصت خوبی است که علاقه‌مندان اسنادشان

را به سازمان اسناد و کتابخانه ملی بفروشند؛ از عقدنامه گرفته تا پاکت و کارت‌پستال و... تا این نهاد آنها را به‌عنوان اسناد آرشیوی غیردولتی از خانواده‌ها خریداری کند. برحسب قانون تنها اسادی را می‌توان به سازمان اسناد تحویل داد که راكد باشند؛ به عبارت بهتر، اسناد جاری دستگاه‌ها یا اشخاص را نمی‌توان در آرشیو نگهداری کرد. سند راكد، سندی است که قابل‌انتقال نباشد یا از آخرین برگ آن حداقل ۴۰ سال گذشته باشد. البته در جلسه‌ای که اخیرا با حضور نماینده سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دادستان کل دیوان محاسبات کشور و اعضای کارگروه خرید برگزار شده، ۱۳ مجموعه اسناد شامل عقدنامه، بریده روزنامه، کتابچه، دفترچه، عکس، کارت و پاکت نامه کارشناسی و قیمت‌گذاری شد. این مجموعه‌ها مربوط به دوره زمانی (۱۲۱۲-۱۳۸۰ قمری)، (۱۳۰۰-۱۳۵۷ شمسی) و (۱۹۱۴-۱۹۹۷ میلادی) می‌شوند.



✚ **بابک زمانی**

رئیس انجمن سکنه مغزی

مردی ۴۲ساله از من -به عنوان یک پزشک عضو تیم معالج- در دادگاه پزشکی قانونی شکایت کرده که چرا در نوروز سال ۹۳ سکنه مغزی‌ی‌جاد او در زمان طلایی انجام نشده است؟ معلوم می‌شود چهار ساعت بعد از یک سکنه مغزی‌ی‌جاد به بیمارستان آموزشی‌ای که من شاغل بوده‌ام، مراجعه کرده است. سکنه مغزی وسیعی بوده است؛ نیمکره راست مغز تقریبا به‌طور کامل از بین رفته بوده و با سرعت به کمای عمیق می‌رود، اما با عمل جراحی برداشتن حجمه در طرف راست از مرگ حتمی نجات پیدا می‌کند. نیمه چپ بدن ضعیفی شدید پیدا می‌کند، اما چون مرکز تکلم در نیمکره چپ بوده است، اختلال تکلم ندارد. استخوان برداشته‌شده هم بعد از چند ماه ترمیم می‌شود. چنین درمانی در آن زمان در بسیاری از بیمارستان‌های کشور امکان‌پذیر نبود یا بهتر بگویم ذهنیتش وجود نداشت.

او می‌داند تیم پزشکی جان او و نیمکره چپش را نجات داده، اما شکایت او این است که چرا در زمان طلایی (و دقیقا همین اصطلاح را به کار می‌برد) به ترتیبی درمان نشده است که اساسا این مشکلات به وجود نیایند و البته حق دارد! چراکه در آن تاریخ در زمان سکنه مغزی در زمان طلایی -چهار ساعت اول- در بسیاری از مناطق دنیا به‌استثنای کشور ما امکان‌پذیر بوده است. در آن تاریخ در کشور ما چنین درمانی انجام نمی‌شد که هیچ، داروی مورد لزوم نه‌تنها جزء داروهای بیمه نبود، بلکه اساسا جزء داروهای شناخته‌شده‌کشور هم به حساب نمی‌آمد. سال ۹۳ سال‌ها بعد از زمانی بود که متخصصان مغز و اعصاب، انجمن سکنه مغزی و انجمن مغز و اعصاب ایران به‌دفعات خواستار تهیه امکانات برای درمان سکنه مغزی‌ی‌جاد شده بودند. اما پاسخ سال‌ها بعد و در سال ۹۵ شنیده و برنامه ملی سکنه مغزی در کشور شروع شد و انجمن سکنه مغزی ایران در این‌باره به وسعت اطلاع‌رسانی کرد. قطعا حضور در دادگاه پزشکی قانونی و ادای توضیحات برای هر پزشک معالجبی تجربه ناخوشایندی است. اما اطلاع از محتویات پرونده برای من به عنوان عضوی از انجمن سکنه مغزی ایران، بسیار خوشحال‌کننده است و به پاداشی واقعی می‌ماند. موضوع حاکی از

آکادمی

پاداش با شکایت

آن بود که انجمن در اهداف خود در «اطلاع‌رسانی عمومی» نه‌تنها موفق بوده، بلکه اکنون این اطلاع به یک «درخواست عمومی» منجر شده و این موضوعی است که قابل برگشت نیست؛ به‌ویژه که پرونده‌های مشابه در مورد درمان سکنه مغزی‌ی‌حساد حتی از سال‌های بسیار دورتر هم به‌طور روزافزون در پزشکی قانونی مشاهده می‌شوند. دیگر مردم به دارونماها، زالو و... قانع نمی‌شوند. اکنون همگان می‌دانند زمان یعنی مغز و سکنه مغزی زمان طلایی برای درمان دارد. آنها خواستار درمان جدی هم‌سطح همه دنیا هستند. این بیمار ممکن بود در ساعت اول بروز سکنه مغزی مراجعه کند و با درمان ویردی کاملا معالجه شود. اگر هم با درمان ویردی درمان نمی‌شد، با درمان درآوردن لخته در یکی، دو ساعت اول بعد از سکنه ۶۰ درصد امکان بهبودی کامل وجود داشت. زمان انتقال بیمار به بیمارستان هم موضوعی نیست که بتوان به آن بهانه، عدم درمان صحیح را توجیه کرد. زمان زودرس انتقال بیمار از طریق سیستم‌های شهری هم جزء مسئولیت‌های سیستم سلامت عمومی و دولتی است. خوش‌حالی از این شکایت، زمان زودرس انتقال بیمار از طریق سیستم‌های شهری هم جزء مسئولیت‌های سیستم سلامت عمومی و دولتی است. خوش‌حالی از این شکایت، انجمن سکنه مغزی را آن‌قدر غره نمی‌کند که یک بار دیگر هشدار ندهد سطح درمان سکنه مغزی در کشور ما هنوز هم استاندارد و روزآمد نیست. سیستم موجود توان پاسخ به این درخواست عمومی را ندارد. با وجود تلاش‌های فراوان هنوز زیرساخت‌های مناسب درمان سکنه مغزی در اکثریت بیمارستان‌های کشور به‌وجود نیامده است. درمان درآوردن لخته به روش آنژیوگرافی در ساعات اولیه که در حال حاضر یکی از مؤثرترین درمان‌های پزشکی است، در کشور ما وجود ندارد. در بیمارستانی که همین بیمار بستری بود هنوز هم فضای کافی برای این‌بیماران وجود ندارد و باز هم در صورت مراجعه مجدد بیماری با وضعیت مشابه احتمالا بیمار در زمان طلایی نه منتقل خواهد شد و نه درمان! امیدوارم ۱۰ سال بعد اگر شکایت مشابهی مطرح شد، اولاً همه در یاد داشته باشند انجمن سکنه مغزی ایران در مورد تهیه زیرساخت‌های درمان سکنه مغزی و راهاندازی درآوردن لخته در ساعات اولیه بارها درخواست کرده است. ثانيا امیدوارم آن بار با تیرئه پزشکان معالج قضیه فیصله نیابد و از همه مسئولان در رده‌های بالاتر هم که به انحای مختلف در راهاندازی چنین سیستم‌هایی مسئول بوده و هستند، پرسش به عمل آید و بیفزایید همه کسانی را که اطلاع یافتند، اما پیگیری و درخواست نکردند.

زیر آسمان شهر

صلح‌خوانی به سبک راک

آنجایی که Camel و حتی Eloy را می‌توان جست‌وجو کرد و چه بهتر از اینکه این استعدادها یکی یکی از خاکِ یرزمین‌ها بیرون بیایند و حتی در حد مختصر و چهارزانوی کافه‌ها برای مخاطب خود بخوانند. مخاطبی که این روزها عادت کرده به اینکه پاپ را در کایش جرم بپوشانند و به نام راک، به خوردش بدهند، مخاطبی که عادت کرده به ناله‌های فلوکسیتینی و ادعاهای بزرگ، سخنش است برقراری ارتباط با نمونه وطنی‌شده و فارسی راک، اما وقتی که بلیت‌فروشی دو شب اجرای گروه، تمام می‌شود و کافه، کیپ‌تا کیپ آدم است، می‌شود امیدوار بود به اینکه موسیقی‌دانان جوان هنوز در برابر از پای درآورده‌شدن موسیقی مقاومت می‌کنند. درست عین تهران که مقاومت می‌کند در برابر خواب، چشم روی هم نمی‌گذارد و این گشادگی چشم‌ها را نمی‌شود نادیده گرفت.

در برگشت از کریمخان و آن اجرای محشر، حالا کلمه‌ها صورت‌ها و عمل‌ها رنگ دیگری می‌گیرند. حتی رنگ سفیدی لباس رفتگرها، تابش عجیبی یافته. دست روی دست نمی‌شود گذاشت. همه نگران از جنگ، چشمی به دعا سوی آسمان دارند. اما نسلی آمده که با بر سن اجرا می‌کوبد و از صلح می‌گوید؛ از جهان بی‌مرزی که در آن، هر نوع جنگ‌افروزی، شرارت در قتل‌خوشتن است. ناتوریوم، همان‌طور که نامش به معنای عنصری از طبیعت است، ما را به صلح با خود، با جهان اطرافمان و یکی‌شدن با طبیعت دعوت می‌کند و این مرمهی است هرچند کوچک به زخم‌ها.

پیشخوان

- افشارک اسناد پنتاگون -پس از دستگیری آسانژ معتقد است: «بدون افشاگران دموکراسی نخواهیم داشت». امپراتوری مرداک که گزارش تحقیقی نیویورک‌تایمز درباره این پول‌رسانه‌ای است، ترجمه شده و همین‌طور از گزارشگران سیل نوروز و دردهایی که گاه به سراغشان می‌آید گزارشی تهیه شده است؛ با عنوان «چند روز به اندازه چند سال». تأثیر افزایش ترافیک‌ک داده بر آینده الگوی استفاده از انرژی و صحت‌سنجی اتوماتیک اخبار درباره تجربه استفاده از ماشین برای شناسایی خبرهای جعلی از دیگر مطالب این نشریه است. در همین شماره از فنلاند به عنوان کشوری که توانسته با اخبار جعلی با کمک تفکر انتقادی مقابله کند. به عنوان نمونه‌ای موفق نام برده شده است. این شماره نشریه که با مدیرمسئولی سعید ارکان‌زاده منتشر می‌شود، در ۱۲۰ صفحه و با قیمت ۲۵ هزار تومان منتشر شده است .

تجربه دیگران

جریان آزاد اطلاعات همراه با اعتماد



شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن، روز شنبه در توکیو با انتشار یادداشتی با عنوان «گروه ۲۰ در اوزاکا» در چند سایت معتبر انگلیسی‌زبان به سیستم جدیدی با عنوان «جریان آزاد اطلاعات همراه با اعتماد» پرداخته که ژاپن قرار است در نشست هفته آینده ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان مطرح کند و همچنین تلاش‌هایی برای تبدیل جالش گازهای گلخانه‌ای عامل تغییرات اقلیمی به یک فرصت. بخش‌هایی از این یادداشت را می‌خوانیم.

من در ۲۸ ژوئن (هفتم تیر) میزبان نشست سال ۲۰۱۹ گروه ۲۰ در اوزاکا خواهم بود. دستور کار ما بر سه موضوع کلیدی تمرکز دارد که هرکدام برای آسیا بسیار مهم هستند. نخستین بخش دستور کار ما به چیزی که معتقد هستم مهم‌ترین چالش زمان ماست، مربوط می‌شود؛ تلاش برای حفظ و در نهایت تقویت نظم بین‌المللی برای تجارت آزاد و عادلانه. برای رهبران آسیا، این به معنی تحکیم سازمان «همکاری جامع اقتصادی منطقه‌ای» (ASEAN) و شش کشور اندونزیاسیفیک (استرالیا، چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و نیوزیلند) است. بحث درباره این موضوع مدت‌ها در جریان بوده و اکنون باید به سمت اهداف حرکت کنیم. موضوع دوم در این دستور کار مربوط به اقتصاد دیجیتال است. دیجیتالی‌کردن اقتصاد، مدل‌های کسب‌وکار منحصربه‌فرد و بی‌سابقه را فعال کرده است، اما همچنین چالش‌های جدیدی مانند عدم پرداخت مالیات مضاعف شرکت‌های چندملیتی پدید آورده است. این مسائل را فقط می‌توانیم از طریق همکاری بین‌المللی حل کنیم. داده‌هایی که در سراسر جهان به جریان افتاده‌اند، به مرزهای ملی بی‌اعتنا هستند. معتقدم تأثیر اقتصادی و اجتماعی چنین داده‌هایی با نقش نفت و موتور درون‌سوز در قرن بیستم رقابت خواهد کرد و از آن پیشی خواهد گرفت.

داده‌ها بنا بر ماهیتشان به‌راحتی بر موانع فیزیکی غلبه می‌کنند. شبکه، آثار و مزایای آن تأثیری چندین‌برابر خواهد یافت. برعکس یک ضرر اقتصادی از یک اتاق بسته نیز به کل شبکه گسترش می‌یابد. ژاپن سیستم «جریان آزاد اطلاعات همراه با اعتماد» (DFFT) را نمایندگی می‌کند، روشی که تلاش می‌کند داده‌ها تحت قوانینی که همه بتوانند بر آن تکیه کنند، آزادانه جریان یابد؛ بنابراین اجازه دهید قوانینی آماده کنیم تا منافع اقتصاد دیجیتال در آسیا و سراسر جهان نصیب همه شود. فرایند انجام این کار همان است که ما «مسیر اوزاکا» می‌نامیم و امیدواریم آن را در اجلاس آینده به جریان بیندازیم. گفتن ندارد که موضوع‌های یک و دو- تجارت و داده‌ها- را نمی‌توان جدا از اصلاح سازمان تجارت جهانی در نظر گرفت. ربع قرن از تأسیس سازمان تجارت جهانی گذشته و در این مدت اقتصاد جهانی با سرعتی شگفت‌انگیز تغییر کرده است؛ اما سازمان تجارت جهانی (WTO) نتوانسته پایه‌پای این پیشرفت حرکت کند و آثار نامطلوب این امر مدام بیشتر نمایان می‌شود. چه کاری باید انجام دهیم تا WTO با دیگر نگهبان تجارت آزاد و مصفاخانه‌ها

مسلمه سوه برای نشست اوزاکا اهمیت نوآوری در مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی جهانی است. اهداف مشخص‌شده در «گزارش ۱،۵ درجه سانتی‌گراد» گروه بین‌دولتی تغییرات آب و هوایی فقط از طریق مقررات محقق نمی‌شود. «نوآوری تحول‌آفرین» که عنصری منفی را به مثبت تبدیل می‌کند، کلید تحقق اهداف اقلیمی در جهان خواهد بود.

گاز گلخانه‌ای دی‌اکسید کربن را که در سال‌های اخیر کاملا مخرب تلقی شده، می‌توان به یک «منبع» فراوان و ارزان برای فناوری‌های نوآور مانند فتوسنتز مصنوعی بدل کرد؛ رؤیایی که مطمئنا روزی به واقعیت می‌پیوندد. من می‌خواهم نشست گروه ۲۰ در اوزاکا به اهمیت این نوآوری بپردازد. در ماه اکتبر نیز ژاپن یک نشست نوآوری سبز را برگزار خواهد کرد و پژوهشگران و نمایندگان محافل صنعتی و مالی از سراسر جهان زیر یک سقف گرد هم خواهند آمد. امیدواریم با یک حرکت قوی خردمندانه آینده‌ای پایدار برای جهان رقم بزنیم.

نگرش مثبت، شیوه‌ای است که نسل‌های پس از جنگ (جهانی دوم) مردم ژاپن در زندگی در پیش گرفتند و این شیوه زندگی بود که برای ما رشد سریع اقتصادی را همغان آورد. در همه ۱۹۸۰ این نگرش در سراسر منطقه آسه‌آن (انجمن ملل آسیای جنوب شرقی) گسترش یافت. اکنون این شیوه زندگی به سراسر آسیای بزرگ، یعنی کل منطقه ایندوپاسیفیک تسری یافته است و من باوری محکم دارم که ژاپن دارای اعتمادبه‌نفس، ژاپنی است کاملا مناسب برای ساختن آینده آسیا.

شماره هشتم مجله

بازخورد، مجله تخصصی ارتباطات منتشر شد. بار سرنوشت آسانژ بعد از ماجرای دستگیری او در سفارت اکوادور و بردن او به زندان مورد بررسی قرار گرفته است تا به نوعی «عواقب محاکمه مؤسس ویکی‌لیکس برای روزنامه‌نگاری امروز» را تشریح کند. یکی از پرسش‌های سرمقاله این شماره این است: «نسبت ما با آسانژ چیست» و ما برای او چه کار کرده‌ایم. همچنین درباره مظلومیت و تهدیدی که دستگیری این فرد برای روزنامه‌نگاری به وجود آمده مقالاتی در این شماره به چشم می‌خورد. دنیل اسبرگ

سرنوشت آسانژ در بازخورد



شماره هشتم مجله بازخورد، تخصصی ارتباطات منتشر شد. بار سرنوشت آسانژ بعد از ماجرای دستگیری او در سفارت اکوادور و بردن او به زندان مورد بررسی قرار گرفته است تا به نوعی «عواقب محاکمه مؤسس ویکی‌لیکس برای روزنامه‌نگاری امروز» را تشریح کند. یکی از پرسش‌های سرمقاله این شماره این است: «نسبت ما با آسانژ چیست» و ما برای او چه کار کرده‌ایم. همچنین درباره مظلومیت و تهدیدی که دستگیری این فرد برای روزنامه‌نگاری به وجود آمده مقالاتی در این شماره به چشم می‌خورد. دنیل اسبرگ

شنبه و یکشنبه ها نیم بها

Labkhand_Afarinan

www.labkhand-afarinan.com